



خادم علی را تنها خبر تخریب مجسمه ها بودا به بامیان کشانده و روزها و ساعتها در میان کلوخ پاره های تندیس ها به نقاشی پرداخته است. تندیسهای خفته بودا در بامیان افغانستان، برای قرنهای زیادی را به خود مشغول داشته است، از روزنامه نگار گرفته تا مورخ و مجسمه ساز. البته طی این چند سال، به خصوص بعد از انهدام تندیسها به دست طالبان در سال ۲۰۰۱، این تندیسها هر از گاهی خبر ساز شده اند.

تخریب این تندیس های ارزشمند، گفتنی های زیادی را در اکناف دنیا برانگیخته است. از بدیل سازی آنها گرفته تا چگونگی تخریب آنها؛ ولی در این میان، "خادم علی" نقاشی جوان، تصویر دیگری از تخریب بوداها دارد که خود حکایتی است از حس نوستالژی تاریخی وی که نه متولد افغانستان است و نه هم از آن معلومات زیادی داشته است.

او را، تنها خبر تخریب مجسمه ها بودا به بامیان کشانده و روزها و ساعتها در میان کلوخ پاره های تندیس ها به نقاشی پرداخته است.

این زمانی است که داشتن دوربین عکاسی کفر تلقی شده و در افغانستان زیر سیطره طالبان، کسی جرأت عکاسی و فیلمبرداری را به خود نمی داد و این نقاش جوان با استفاده از ذهن هنری اش، تصویرهای شگفت انگیزی از بوداها پدید آورده است.

خادم علی تصمیم می گیرد که به بامیان برود و از نزدیک حس عرفانی بوداها را لمس کند و همان احساس ظریف بوداها را در قالب رنگ روغن به تصویر بکشد.

این کار، برای خادم، نقاش جوانی که طالبان با قومش (هزاره) میانه خوبی نداشتند، کاری آسانی نیست. او در آن زمان، در کشور پاکستان زندگی می کرد.

نتیجه چندین مسافرت وی به بامیان، آثار زیبایی از رنگ و روغن است که تمام آن آثار به قیمت های گزافی به موزه های معتبر جهان، به عنوان "نماینده ای از هنر شرق" به فروش رفته است. آثار بودای خادم به نمایندگی از هنر آسیا برای کلکسیون دانشگاه برسیبن کویپینزلند استرالیا خریداری شده است.

در جستجوی بودا

مجموعه آثار "بودا" اولین آثار ارزشمند خادم علی به شمار می روند که وی برای تز پایان تحصیلاتش در دانشکده ملی هنر لاهور خلق کرده است. خادم علی متولد ۱۹۷۸ در کویته پاکستان است.

او از دوران کودکی اشتیاق به نقاشی داشته و همین ذوق هنری وی در دوران نوجوانی اش، زمانی که در ایران مهاجر بوده، به مرحله عمل در می آید و وی در یک موسسه نقاشی در تهران نام نویسی می کند و به زودی به یکی از شاگردان برجسته آن تبدیل می شود.

خادم می گوید که دوران اقامت او در ایران، "مشقت بار" بوده است. با همه اینها، او نخستین بار در ایران با هنر میناتور آشنای شده است.

خادم علی درباره اینکه چرا پایان نامه تحصیلاتش را به بودا اختصاص داده، می گوید: "بودا برای من هویت گذشته ام به حساب می آید. بنابراین وقتی دیگران برای تخریب بودا یعنی هویتم بر می آیند، باید کسی برای جاودانگی آن بکوشد. به همین خاطر بعد از تخریب بودا با وجود خطرهای زیاد، چندین بار به افغانستان رفتم و ماهها در بامیان ماندم تا با بودا بیشتر اخت (نزدیک) شوم و بیشتر بشناسمش."

آثار خادم علی به شکل یک زنجیره نامرئی همانند مغاره های بامیان از درون با همدیگر پیوند می یابند که درک یکی بدون تما

شای دیگری مشکل است. وی اولین نمایشگاهش را در آگوست سال ۲۰۰۴ در گالری هنری چوکندی شهر کراچی پاکستان، به نام "جشن گل سرخ" برگزار کرد. بعد از آن، همین آثار پیش از فروش در جاپان (ژاپن) به نمایش گذاشته شده اند. بودیسم و مکتب "صلح"

ردپای بودا و فلسفه بودائی (صلح) در بیشتر آثار خادم علی، حتی در آن آثاری که نمادهای اسلامی هم در آن دیده می شود، نمایان است. او در این مورد می گوید: "یک نقاش باید به عمق و رسالت کارش آگاه باشد تا اثری که بیرون می دهد دارای یک پیام روشن باشد. این کار ممکن نیست مگر اینکه نقاش مطالعه و شناخت کافی از موضوع کارش داشته باشد. برای من وقتی در مورد بودا کارم را شروع کردم مهم این بود که بودا و فلسفه بودائی را اول باید بشناسم، از همین رو، شروع کردم به مطالعه بودیسم. شاید همین مطالعات من منجر به این شده که تا اندازه ای تحت تاثیر فلسفه صلح بودائی قرار بگیرم."



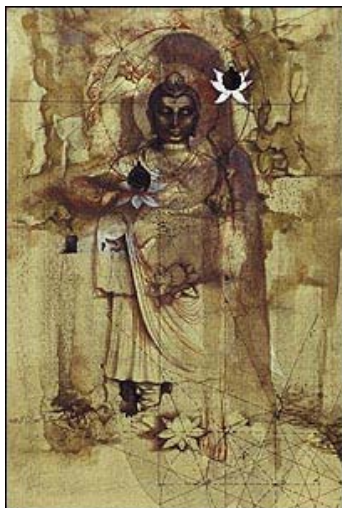
بدعت گری برداشت عمومی از مینیاتوری با صحنه های تخیلی و رمانتیک قرین است که به دوران مغول ها باز می گردد. تقریباً تمام ژانرها به یک نقطه می رسند، یعنی زیبایی تخیل آمیز و رویایی؛ ولی آثار خادم علی از این تصور فاصله زیادی دارد.

او با فرم شکنی، در واقع در صف بدعت گران جوانی در آمده است که مینیاتوری را از حالت تخیلی و رویا آمیزش بیرون آورده و با واقعیت های روزمره زندگی وفق داده است.

بدین معنی که آثار خادم علی، بیشتر از واقعیات و تحولات واقعی پیرامونش سرچشمه گرفته است.

به طور مثال، در مجموعه آثار "بودا"، از طالبان و اسامه بن لادین، چهره زشتی همراه با نارنجک و توپ تصویر شده است.

در عین حال وی چهره های بوداها را در حالت های مختلف خلسه، نیایش و آرامش به تصویر کشیده است که با وجود تخریب شان، هنوز هم جاودانه اند. این جاودانگی از نظر خادم علی بدین معنی است که ترور تنها می تواند در جسم ظاهر شود نه در اندیشه و فلسفه.



برجستگی دیگر در کار این هنرمند جوان افغان، تلفیق اندیشه و فلسفه بودایی با هنر و باورهای اسلامی است که او با الهام از اشعار مولانا و فردوسی ترکیبات بدیعی را در آثارش خلق کرده است.

او در یکی از آثارش، جای خالی بودا را درون کعبه نقش کرده است، در حالیکه خطوط کج و معوج عربی معکوس که نشانه "نادرست بودن افراط گرایی دینی" است هر دو نماد دینی را احاطه کرده اند.

این نماد می تواند نشانه برآشفتگی خادم علی از تخریب تندیسهای بودا و اذعان او به احترام متقابل به ادیان باشد.